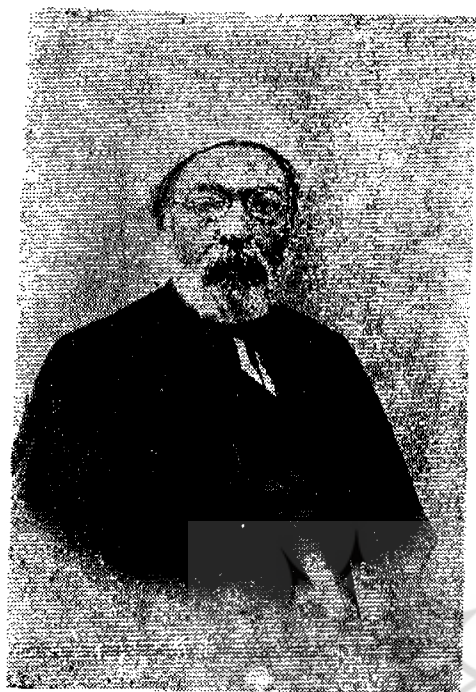


## نکاتی ناگفته از زندگی واسموس

درباره سرگذشت واسموس مأمور سیاسی دولت آلمان در اوائل جنگ بین‌الملل اول که ظاهراً بعنوان کنسول آن دولت در فارس و بنادر انجام وظیفه می‌کرد مطالب فراوان و گوناگون و ضمناً حیرت‌انگیزی به رشته تحریر درآمده و کتب و مقالات و یادداشتهای متنوعی انتشار یافته است لکن مبالغه نیست اگر گفته شود هنوز هم باگذشت نیم قرن زود است آنطوری که باید از جهات و زوایای مختلف او را شناخت. قدر مسلم این است که بنابر سوابق تاریخی جنوب ایران مخصوصاً فارس و بنادر بواصله موقعیت خاصی که داشته بیشتر از سایر نقاط ایران تحت سیطره و نفوذ ایادی استعماری بریتانیای کبیر آن روز بوده است و لهذا باشدت بیشتر جلوانگاه آنان شده و دچار عواقب دحشتناکتری هم گردیده است. دولت آلمان رقیب سر سخت حکومت استعماری آن روز بریتانیا نیز بیکار ننشسته و در هر موقع که فرصت مطلوبی بدست می‌آورده بنای معارضه را باحکومت استعماری انگلیس و ایادی آن دولت می‌گذاشته است و زبده‌ترین و کار آزموده‌ترین مأموران سیاسی خود را برای کسب خیر و خنثی کردن اعمال عمال انگلیس تجهیز و بنواحی مورد نظر اعزام می‌داشته که از جمله آنان همین داسموس است. این آلمانی باهوش علاوه بر زیرکی و فطانت خاصی که داشته مأمور سیاسی خوش اقبالی هم بوده است چه دوران فعالیت سیاسی او مقارن ایامی است که فارسین غیرتمند و آزاده باطنین صدای مشروطه طلبان از اطراف و اکناف در مقابل ظلم و ستم عمال حکومت استبدادی قدام کرده و مهر و محبت ذاتی و بیدریغ خود را نثار کسانی می‌کردند که با آنان هم آوائی کنند و واسموس از زمره همین افراد بود که در آن روزگاران حساس باعدالتخواهی و آزادی‌طلبی مردمان آزاده آن خطه همصدا گشته و با این موقعیت استثنائی و ممتاز که در اثر فراهم شدن عوامل بسیار بدستش افتاده بود بر خوردار از حمایت وطن پرستانه اهالی غیور فارس گردید و محبوبیت سرشاری در بین آزادگان شیراز و دشتستان و سایر نقاط فارس بدست آورد متباب مثال علاوه بر شیراز اکثر نقاط فارس از جمله - دشتی - دشتستان - تنگستان - همدلاوران با تقوی و فضیلت آن روز فارس بودند که از واسموس حمایت و او را در پیشبرد مقاصدش علیه قوای استعماری انگلیس در فارس کمک و یاری می‌کردند که امکان نداشت بدون این حمایت





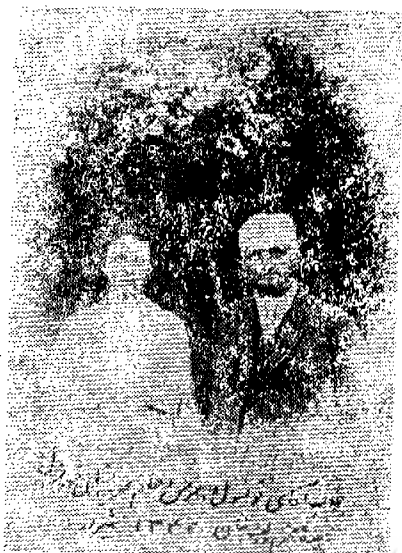
شیخ محمد حسین بر ازجانی

مملکت داشته اند بمرده پشنا ساقند، شاید اکثر خوانندگان این مقاله ندانند که مثلاً در بر ازجان مرکز دشتستان روحانی دلاوری بنام مرحوم شیخ محمد حسین بر ازجانی (مجاهد) بر عرصه وسیع منطقه دشتی و دشتستان از نفوذ روحانیت خود بفتح استقلال مملکت چه فداکاری‌هایی نموده بود. او جزء اولین افرادی است که علم جهاد را بر ضد دخالت‌های ناروا و خدعه‌های تنفر انگیز استعمار انگلیس در فارس و بناد بر افراشت و هموست که واسموس را بمنزل خود پناه داد و عمال ضد استعماری او را تقویت کرد و بموقع او را از چنگ دشمنانش نجات بخشید به من این دو تلگراف که

از طرف کاکس کنسول انگلیس در بوشهر مخایره گردیده و متقابلاً از طرف مرحوم شیخ محمد حسین بر ازجانی (مجاهد) پاسخ داده شده توجه فرمائید. جواب بقدری حساب شده و دیپلماتیک است که حکایت از روش متین این روحانی عالیقدر می‌کند و ملاحظه می‌فرمائید که کنسول انگلیس چه حرصی از دست کنسول آلمان می‌خورده است زیرا واسموس در خانه هر فرد وطن پرستی از خطه فارس برای خود جای امنی فراهم کرده بود که صمیمانه پناهنده و بموقع او را از چنگ مأموران انلیجنت سرویس و ایادی آنان که بخوش تشنه بودند نجات بخشند.

لهذا همین کمک‌های بیدریغ امثال مرحوم شیخ محمد حسین بر ازجانی بوده است که این مرد سیاسی مانند پرنده تیزبالی هر زمان از جایی در دشت‌های پهناور فارس سر در می‌آورد و نقشه‌های مدش استعماری ایادی استعمار را بر احتی خنثی می‌کرد و بعضی اوقات نیز از لابلای حوادث حیرت‌انگیزترین آنها در وقایع فارس و بناد بوجود می‌آمده است. خانواده‌های بسیاری از فارسین





واسموس برای امور کنسولی و سکونت ظاهری و رسمی خود در باغ نومشیر (که بسیار بزرگ بود و هم اکنون به خیابانها و محله‌های زیادی تقسیم شده) انتخاب کرد و طبعاً روابط صمیمانه‌ای با افراد فاعیل ما بخصوص عموی نگارنده (۱) در شیراز پیدا کرد. جدیدترین اختراعات آنروز اختراع بی‌سیم بود که واسموس آن دستگاه را در باغ نومشیر نصب نمود و به-راحتی اخبار جنگ مخصوصاً

فتوحات اولیه آلمانها را بنحو واسموس قونسول آلمان باخانش سریمی بگوش مردم شیراز می‌رسانید و چون این اخبار بعد از مدت‌ها از مجاری دیگر بروزنامه‌ها می‌رسید بعضی از مردم شیراز او را معجزه گر تلقی می‌کردند و هر کس میل داشت بنحوی با او تماس حاصل کند خلاصه اینکه این جریانات من حیث المجموع موجب حیرت و شگفتی طرفداران واسموس میگشت و دسته‌دسته مردم بدیدن این دستگاه می‌رفتند و او از این موقعیت کمال‌حسن استفاده را می‌کرد و مثلاً می‌گفت الان قیصر از آلمان بمردم شیراز سلام می‌رساند تا جائی که شاعر بلند پایه متأخر شیراز مرحوم آشیخ علی بوالوردی در قصیده شیوای خود از این دستگاه چنین یاد می‌کند:

خود دشمنی است دانش و فضل و هنر مرا

از صد هزار دشمن جانی بتر مرا

بر نه سپهر فضل پریدم ز شش جهت

خشم کهن شده است همان بال و پر مرا

ما ناز کوری عقرب گردون دون ندید

از بهر نیش خویش مقری مگر مرا

یارب همی زحبه بس مختصر که داد

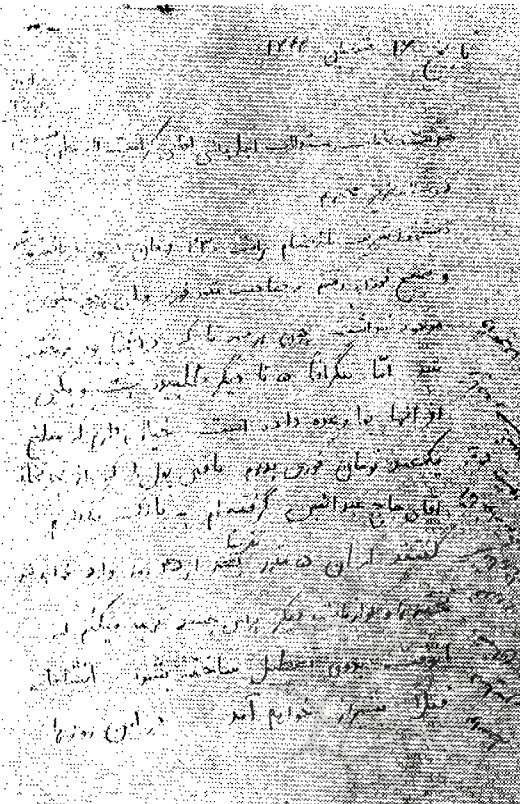
از خانه مشیر ز قیصر خیر مرا

منظور از تحریر این سطور ذکر خصوصیات از این مأمور سیاسی ذی-

دست با امکانات زمانی و مکانی نام برده است که شاید تا کنون برای اهل

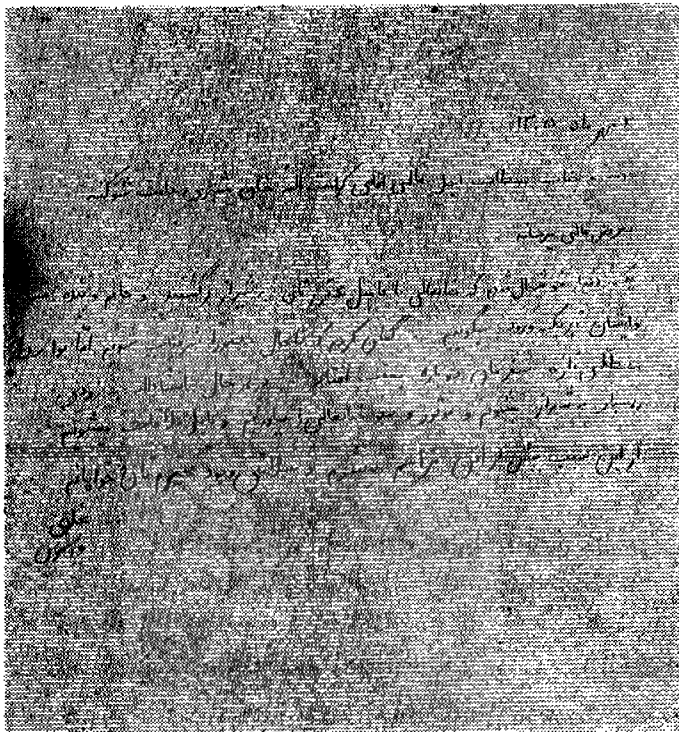
تحقیق مکتوم بوده باشد  
 ۱ - واسموس فارس را  
 خوب میشناخت و فارسی را  
 بسیار خوب میدانست  
 مینوشت به آداب و رسوم  
 و تمارفات متداوله شیرازی -  
 ما آشنائی کامل داشت  
 دوسه مکاتبه از مکاتبات  
 متعدد نامبرده رادر اینجا  
 تقدیم خوانندگان محترم  
 میکنم باشد که بایی از  
 تحقیق در این مورد نسبت  
 بشناسائی بیشتر او باز شود  
 این نامه ها در دوران مختلف  
 اقامت او در ایران نوشته  
 شده است .

۲ - تا اواخر دوران  
 قاجاریه که مملکت نظم  
 صحیحی نداشت فعالیت  
 سیاسی واسموس نضج گرفته  
 بود لکن اوائل سلطنت



**نامه واسموس به آقای کرامت‌المشیری**

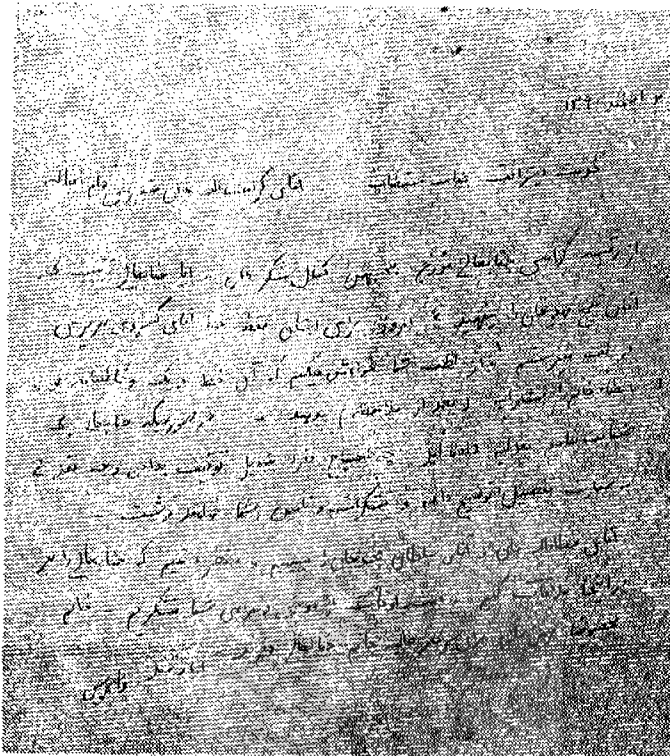
پرافتخار اعلیحضرت رضا شاه که دست ایادی خارجی از دامان این مملکت  
 کوتاه شد دیگر محلی از برای عرض اندام و مبارزه کنسول خانه بدوش آلمان  
 باقی نماند اوهم ترجیح داد تا وقتی که بتواند در ایران باقی بماند و جبران  
 فعالیت‌های خستگی ناپذیر خود را با اشتیاق بکار کشاورزی بنماید و همین کار  
 رادر چندادک کرد و در نواحی بو شهر و دشتستان علاقه زراعتی بوجود آورد و عجیب اینجاست  
 که آخرین ماشین آلات کشاورزی آنروز را در کار زراعت خود بکار گرفت  
 ضمناً چون در رشته ماشین آلات محدود آنروز مرد مطلعی بود بتأسیس  
 نمایندگی برای فروش اتومبیل و این قبیل وسائل همت گماشت که از نامه‌های  
 تقدیمی که کلیشه و چاپ شده این مطالب استنباط می‌گردد مثلاً  
 شایدوی جزء اولین کسانی باشد که پمپ آبیاری (که در نامه‌های خود با اصطلاح  
 شیرازیها بمبو نام برده) در کار زراعت بکار برده . نامه مورخه ۱۶ شعبان



### نامه واسموس به کرامت‌اله مشیری

۱۳۴۴ گویای مطالبی است که فوقاً به آن اشاره شده مضافاً باینکه از دسائس دشمنان خود هم نگرانی داشته - (کرامت‌اله خان مشیری) عمومی نگارنده بود که کلیه نامه‌های موجود بنام ایشان است و در شیراز از امر و رویت کافی بر خوددار و سالهاست بر حمت ایزدی واصل گردیده است .

نامه دوم مربوط بزمانی است که بطور کلی فارغ‌البال بود و دیگر اثری از فعالیت‌های سیاسی در آن مشهود نیست و اصطلاح (بمبو) را در این نامه نوشته است .



### نامه دیگر از واسموس به مرحوم کرامت‌اله مشیری

نامه سوم بتاريخ ۶ اسفند ۱۳۰۹ تحریر یافته و منظور از ( آقای شیخ مهدی خان) جناب آقای مهدی صدر زاده استاد و وکیل مبرز دادگستری است که بحمداله هم اکنون در قید حیات هستند و براستی از مفاخر جامعه و کلاه دادگستری می باشند و امید آنکه این مقاله را با اطلاعات دقیقی که دارند اصلاح و تکمیل فرمایند. منظور از ( آقای کسروی تبریزی) در این نامه مرحوم کسروی تبریزی وکیل دانشمند و محقق عالیقدر تاریخی است که بجوار رحمت حق پیوسته و برای ارباب فضل احتیاج بتوصیف بیشتر ندارد در خاتمه عکسی که با عمومی نگارنده در سال ۱۳۴۲ قمری گرفته شده و یادگار مانده تقدیم می کنم (عکس در صفحه بعد چاپ شده است.) امید است که ارباب تحقیق و اطلاع این اطلاعات ناقص را پایه ای از برای تحقیق بیشتر تلقی فرمایند و بر بنده منت نهند .

تهران دوم اردیبهشت ۱۳۵۴





عکسی دیگر از واسموس و خانمش و مرحوم کرامت‌الله مشیری (با عبا)

بنای تخت مرمر اهتمام وافی معمول گردیده و مشتاقان و علاقمندان آثار تاریخی همواره بیازدید آن می‌روند .

اینک قسمتی از یکی از قصایدی که فتح‌علی خان صبا درباره آن سروده و بر روی تارمی‌های تخت مرمر بطور جالب‌کننده کاری شده و حاوی ماده تاریخ سال بنای عمارت تخت مرمر می‌باشد ذیلاً مبادرت می‌شود :

تختی از سنگ بر آراست شه عرش اورنگ

که ز غیرت زده بر شیشه نه گردون سنگ

چون نهد پای بر آن خسرو جمشید آیین

چون کند جای بدان شاه فریدون فرهنگ

آسمانی ست که او را بود از خورد یهیم

آفتابی ست که آن را بود از چرخ اورنگ

تخت دارای جهان فتح‌علی شاه است این

یا که عرش ستو بر آن از ملک‌المرش آهنک

اولین پایه او را نتوانی بوسید

راست گر قامت قوسی شودت همچو خدنگ

الغرض یافت چو این تخت سلیمانی فر

بشهنشاه فلک گاه سلیمان فرهنگ

منشی طبع ( صبا ) از پی تاریخش گفت

« به سلیمان زمان دید شرف این اورنگ »